**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و دوم\_17 فروردین 1398**

نتیجه بحث تا کنون این شد که دو مبنای اساسی در خبر واحد مورد نظر است، یک مبنا این است که خبر واحد ثقه تعبدا احکام علم بر آن مترتب است، و حجیت دارد، چه وثوقی شخصا حاصل بشود، چه وثوقی نباشد، مبنای دوم که ما اختیار کردیم، این شد که خبر موثوق الصدور حجت است، تا وثاقت به صدور نیاید، حجیتی نخواهد بود.

این بحث گذشت؛ اما تنبیه اولی که امروز خلاصه وار اشاره می کنم و وارد جزئیاتش نمی­شوم این­که در این دو مبنا چه مبنای حجیت خبر ثقه، چه مبنای حجیت خبر موثوق الصدور بین روایات بلا واسطه، و روایات مع الواسطه فرقی هست یا نه؟

لقائل ان یقولَ که اگر مبنای ما حجیت خبر ثقه باشد، نهایتا آن روایاتی درست می شود که یک راوی برای ما مستقیم از امام چیزی نقل کرده باشد، نه این روایات موجوده در کتب که با واسطه هایی برای ما نقل شده است، اخبار مع الواسطه نیست، از آن طرف ما عملا هم در این زمان روایت بلا واسطه هم نداریم، این اشکال بر مبنای حجیت خبر ثقه، تقریب این اشکال با بیانی که مرحوم محقق بروجردی اعلی الله مقامه الشریف دارند، و تکمیل ان در تقریرات آقای سیستانی هم هست این است که شما دو تا مقدمه را در نظر بگیرید،

مقدمه اول این که روایاتی کاشف و روایتی علم است که واصل شود به انسان، کشف و علم ویژگی خبر واصل است، حجیت به معنا این که این روایت کالعلم است در مطلق خبر نیست و لو به من نرسد، خبری که من برسد عقلا حجت می دانند.

مقدمه دوم خبری کالعلم است، خبری کاشف است، خبری حجیت دارد که مخبر به یا حکم شرعی باشد، یا موضوع حکم شرعی. اما اگر نه حکم شرعی بود و موضوع حکم شرعی و هیچ ارتباطی با حکم شرع نداشت، حجیت معنا ندارد،

حال با توجه به این دو مقدمه اگر برای ما شیخ طوسی نقل کند، یعنی بنده مستقیم ازشیخ طوسی نقل کنم که مفید که برای شیخ طوسی گفته است و مرحوم شیخ مفید هم از شیخ صدوق نقل کند، خب باید این سه خبر حجت بشود، آن خبر دوم را ببنید، خبر جناب مفید، کی خبر جناب مفید حجت می شود؟ وقتی به من واصل بشود طبق مقدمه اول که مقدمه اول می گفت تا خبر واصل نشود حجت نیست، پس باید خبر مفید به من برسد. کی بالفعل به من می رسد؟ وقتی خبر شیخ طوسی حجت باشد. تا خبر شیخ طوسی حجت نباشد، خبر شیخ مفید حجت نیست، واصل نیست. حال می آییم سراغ خبر مفید، به حکم مقدمه دوم هم خبر مرحوم مفید حجیتش متوقف است بر حجیت خبر صدوق، چون تا خبر صدوق نیاید که قال الصادق، حکم الشرعیه در کار نخواهد بود تا خبر مفید درست بشود. پس از یک سو حجیت خبر مفید بر حجیت خبر طوسی به حکم مقدمه اول و از طرفی به حکم مقدمه دوم متوقف بر حجیت خبر صدوق است.

حال می آییم سراغ خبر شیخ. خبر شیخ هم کی حجیت دارد؟ وقتی خبر مفید حجیت پیدا کند و ذا اثر شرعی باشد. اگر خبر مفید ذا اثر شرعی نبود، خبر شیخ هم حجیت نخواهد داشت. ذا اثر بودن خبر مفید هم متوقف بر حجیت خبر شیخ صدوق بود. پس هر یک از این اخبار حجیتش متوقف شد بر خبر دیگر.

جوابی که به این معزله در تقریرات آقای سیستانی هست این است این جواب هم مقدمه اول و هم مقدمه دوم را هدف قرار می دهد و ان این است که قبول داریم اثر شرعی داشتن را و قبول داریم وصول را منتها این طوری تقریر می کنیم می گوییم خبری واحدی حجت است که ذا اثرٍ شرعی باشد علی تقدیر وصوله و یتحقق هذا التقدیر بنفس حجیت خبر الشیخ فعلی هذا حجیة خبر الشیخ فعلیتها متوقفة علی ان یکون مخبر به لخبر الشیخ امرا لو وصل لکان حجة و التقدیر یتبدل بالتحقیق بنفس حجیة خبر الشیخ و غیر المتوقفٍ علی فعلیة حجیة خبر المفید بل الحجیة الفعلیه لخبر الشیخ متوقفةٌ غلی الحجیة التقدیریة لخبر المفید

توضیح مطلب این است که ما از همان خبر اول شروع می کنیم، می گوییم حجیت خبر شیخ طوسی متوقف بر حجیت فعلیه خبر مفید نیست، حجیت بالفعل خبر شیخ متوقف است بر حجیت تقدیریه خبر مفید و این تقدیر کی تبدیل به تحقیق می شود وقتی خبر شیخ به ما واصل شد. این معنای عبارتی که گفتم و نوشتید، پس می توان به این بیان رفع دور کرد. معنای حجیت فعلیه این است که واصل باشد بالفعل و اثر شرعی داشته باشد. این چنین چیزی دلیل بر اعتبار ندارد. این خلاصه بیان ایشان .

ما عرض می کنیم شاید نیازی به این تقاریر پیچیده نیست. مهم ترین دلیل بر حجیت خبر ثقه در نزد گروه اول سیره عقلا بود. مراد از حجیت هم در نزد عقلا تصدیق است در برابر عدم حجیت که تکذیب است یا عدم تصدیق. تصدیق خبر شیخ متوقف بر تصدیق خبر مفید نیست. و تصدیق خبر مفید هم متوقف بر تصدیق خبر صدوق نیست. شما می گویید نفر اول راست گفت که نفر دوم گفت و نفر دوم هم راست گفت که نفر سوم چنین چیزی را گفت این همه پیچیدن ندارد دوری در کار نیست.

به نظر می رسد این اشکال چندان مهم نباشد این اشکال بر مبنای اول بود اما مبنای دوم.

اما اگر مبنا حجیت خبر موثوق الصدور شد که ما اختیار کردیم اشکالی که در اخبار مع الواسطه است اشکال دقیقی است. و آن اشکال این است که وثوق به صدور معیار است هر چه تعداد واسطه ها بیشتر بشود احتمال اشتباه و غفلت بالاتر است. پس نمی توان به خیلی از این روایاتی که چندین واسطه دارد اعتماد کرد چون هر خبری وقتی از دیگری نقل می کند احتمال اشتباه و غفلت دارد هر چی این تعداد بالاتر برود احتمال خطا بیشتر است و لذا حمیری و بزرگان مثل او قرب الاسناد می نوشتند.

حضرت آقای سیستانی این اشکال را فقط این گونه درست می کند که شما خیال نکنید سند صدوق کلینی، طوسی به صاحبان کتب و اصول این ها حکم روایات مع الواسطه را دارد، سند دو بخش است یک بخش از کلینی تا صاحب کتاب، بخش دوم از صاحب کتاب تا امام. انجا که کلینی می گوید من از این و این نقل می کنم از صاحب کتاب این را واسطه دیگر قرار ندهید این نقل از کتاب است و سند تبین و تبرک است . مثل همین اجازه های روایی الان. من با اجازه رواییم از کلنی چهل واسطه می خورد این تیمن است . این تعدد واسطه نیست. کلنی هم که از ان صاحب کتاب و اصل نقل می کند مثل من است که از کلینی نقل می کنم و خود صدوق به این مهم اعتراف کرده است که این روایاتی که من نقل کرده­ام راسنادش متعدده است بعضی را ذکر می کنم و از کتب مشهوره دارم نقل می­کنم.

بهترین تحقیقی که در این مورد شده است و ما نقل کردیم در بحث زیارت ناحیه در فقه از مرحوم علامه مجلسی در اربعینش. هیچ کس را ندیدم که این بحث را به زیبایی و قوت مرحوم مجلسی در اربعین نقل کرده باشد . خودش هم می گوید این حرف برای کسانی مثل من واضح است که سال ها با روایات سر و کار دارد و بعد شواهدش را هم بیان می کند.

این تمام کوششی است که در تقریرات آقای سیستانی مشاهده می شود که تا صاحب کتاب را درست می کند ما از صاحب کتاب تا امام چی؟ آن جا چند واسطه است آن جا را چه می کنی؟ من جوابی ندیدم.

در پاسخ ایشان عرض می کنیم اگر آن منبع کلینی و صدوق و شیخ بلا واسطه نقل می کرد، حرف شما دیگر درست می شود اما اگر منبع کلینی و و صدوق شیخ خود سند داشتند باز اشکال باقی است، هر چه وسائط بیشتر می شود وثوق کمتر می شود و این اشکال هم هیچ جوابی ندارد الا الاتزام للانسداد چون شمائید و روایتی که با چند واسطه نقل شده است و وثوقتان کمتر می شود باید بیایید با قرائن بیشتری این روات را تقویت کنید تااز این مشکل نجات پیدا کنید و لذا گفتیم عمل اصحاب می تواند نقشی در تقویت داشته باشد و اعراض اصحاب نقشی در تضعیف دارد. این تاکید همان حرف اولیه ماست که باید به روایات نمره بدهید. و نمره ها فرق می کند و لذا در فقه روایاتی که دو واسطه دارد با روایتی که چندین واسطه دارد نباید یک نمره بدهی .

این تنبیه اول که بر مبنای حجیت خبر ثقه یک اشکال بود که قابل جواب بود بر مبنای حجیت خبر موثوق الصدور اشکال اشکال قوی ایی بود که نهایتا شما بخش اول کتاب را درست کنید.

اما تنبیه دوم که بسیار مهم است و باز هم مثل تنبیه اول مقدمه ایی برای انسداد است وجه حجیت قول رجالی است. ان شاء الله جلسی آتی.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.